

به یاد مدرس

بسمه تعالی

من المومنین رجال صدقوا ما عاهدوا الله عليه فمنهم من قضى نحبه و منهم من ينتظر و ما بدلوا تبديلا
در حیات انقلابی و پر تداوم ملت مسلمان ایران و در روند مبارزاتی خویش، علیه استبداد و استعمار
شاهد رویش مردانی هستیم که در حساس‌ترین شرایط زمانی خویش در دفاع از امت اسلامی و
استقلال و آزادی کشور و مخالفت با سلطه بیگانگان و عوامل داخلی‌شان قد علم کرده و با مبارزات
مستمر خود آنان را به زانو درآورده‌اند.

یکی از این چهره‌های مصمم و با اراده و از وکلاء شجاع دوران اولیه مجلس پس از انقلاب
مشروطیت مجاهد شهید مرحوم سید حسن مدرس است که در مقابل حکومت خودکامه استبدادی
رضاخان و جلوگیری از قدرت روزافزون وی ایستادگی کرد. نظام استعماری انگلستان می‌خواست با
تأسیس یک دولت متمرکز و دست‌نشانده‌ای که بتواند منافع استعماریش را تضمین و رضاخان را به
عنوان زمامداری شایسته به ایران تحمیل کند. در این راه مدرس تا پای جان ایستادگی و مقاومت نمود
و سرانجام بعد از سالها تلاش و مجاهدت به قلعه خوف خراسان تبعید و پس از مدتها زندانی و تهدید
در دهم آذر ۱۳۱۷ به دست جلادان رضاخان شهید می‌شود.

* * *

مرحوم مدرس مردی فاضل و مجتهد بود که در دوره دوم مجلس شورای ملی (سال ۱۳۲۷ هجری
قمری) از طرف علمای نجف به عنوان یکی از ۵ عضو روحانیت طراز اول طبق اصل دوم متمم قانون
اساسی سابق انتخاب و از اصفهان به تهران می‌آید و بعدها در دوره سوم - چهارم - پنجم و ششم به
نمایندهای مجلس از تهران انتخاب می‌گردد.

در این دوره است که مرحوم مدرس برای حفظ دست‌آوردهای انقلاب مشروطیت که هنوز تداوم آن در
جنبشهای خیابانی، جنگل، پسیان و سایر قیامها جریان داشت تلاشها و کوششهای فوق‌العاده‌ای می‌نماید.
وی در دوران مجلس با اتحاد چند تن از رجال شایسته کشور از جمله مرحوم دکتر مصدق و در
خارج با همکاری بعضی از روحانیون مترقی منجمله مرحوم آیت‌الله سیدابوالحسن طالقانی (پدر مرحوم
مجاهد نستوه آیت‌الله طالقانی) جلساتی در منزل ایشان و با شرکت برخی از روحانیون علیه رضاخان
ترتیب می‌دهد.

البته معرفی کامل زندگانی و نقش مؤثر او در تاریخ معاصر ایران احتیاج به تحلیل دقیقتری دارد.
برای روشن شدن افکار و اندیشه‌ها و سابقه مبارزاتی وی ذیلاً به برخی از اقدامات وی علیه نظام فاسد
اشاره‌ای می‌شود:

۱- مخالفت با قرارداد ۱۹۱۹

در سال ۱۲۹۸ شمسی مطابق با ۱۹۱۹ میلادی توسط وثوق‌الدوله نخست‌وزیر وقت ایران قرارداد معروف بین ایران و انگلیس منتشر شد. این قرارداد تسلط و کفالت انگلستان را بر ایران تحمیل کرده و آزادی استقلال ایران را در معرض خطر و نابودی قرار می‌داد وقتی مردم از موضوع عقد قرارداد مطلع شدند تظاهراتی بر علیه قرارداد به راه می‌اندازند و در تمام مجالس و محافل رسماً اعتراض می‌نمایند از جمله کسانی که با قاطعیت علیه این قرارداد اقدام می‌نمایند مرحوم مدرس بود که خانه وی به مرکز مخالفت با دولت تبدیل شده و در بسیج مردم نقش مؤثری ایفاء می‌نمود وی حتی با میرزا کوچک‌خان جنگلی وارد مذاکره می‌شود که از نیروی چریکی وی بر علیه قرارداد استفاده و اقداماتی بنماید. ولی قاصد محرمانه میرزا کوچک‌خان به دست دولت گرفتار و زندانی گردید... اما مدرس مخالفت خود را همچنان ادامه داده و در یکی از نطقهای خود در مجلس چنین می‌گوید.

«مطابق عقیده خودم مکلف بودم که با کسی که این قرارداد را بست جنگ کنم، جنگ هم کردیم، مالک مائیم، مائیم که باید تصدیق و تصویب کنیم... به کمک ملت همه را از بین بردیم.»

۲- مخالفت با اولتیماتوم روسیه تزاری

در این قسمت هیچ چیز گویاتر از بیانات تاریخی و ارزنده امام خمینی که در سال ۱۳۴۳ هجری در مسجد اعظم قم ایراد نمودند، نیست. ایشان در قسمتی از بیانات خود فرمودند: «در مجلسی از مجالس سابق - مجلس سوم - که مرحوم سید حسن مدرس، وکیل بود، دولت روسیه اولتیماتومی به ایران داد که اگر ما را در قضیه‌ای که الآن به یاد ندارم (اخراج شوستر آمریکایی) نپذیرید - از راه قزوين حمله کرده تهران را می‌گیریم - دولت وقت به مجلس فشار آورد که این طرح را تصویب کند... یکی از مورخین آمریکائی مینویسد یک روحانی دست به عصا (مرحوم مدرس) آمد پشت تریبون ایستاد و اظهار کرد اکنون که بناست از بین برویم چرا سند نابودی خود را شخصاً امضاء کنیم؟ مجلس بواسطه مخالفت او جرأت پیدا کرد و طرح را رد کرد.»

۳- سیاست موازنه منفی

همانطوری که گفته شد هدف مدرس از مبارزاتش حفظ استقلال و آزادی ایران در موقعیتی بود که دو ابرقدرت بزرگ آن روز یعنی انگلستان و روسیه که هر کدام می‌خواستند با بستن معاهده‌ای ضمن بهره‌مندی از منابع حیاتی ملت ما برای پیشبرد اهداف سیاسی، نظامی و اقتصادی خویش به دخالت‌های خود در امور داخلی کشور جنبه رسمی و مشروع بدهند - مدرس برای حفظ ارکان مملکت از سلطه قدرتهای خارجی موضوع «سیاست توازن عدمی» را پیش کشید و گفت:

«باید یک قدمهایی که مقتضای حفظ دیانت و حفظ قومیت و حفظ ملیت خودمان است در این مورد برداریم و هیچ کاری و هیچ چیزی را مقدم بر این کار قرار ندهیم... من از هر دولتی که بخواهد دخالت در امور ما بکند می‌ترسم و باید توازن عدمی را نسبت به همه مراعات کرد نه توازن وجودی...»

این طرز تفکر بعدها توسط مرحوم دکتر مصدق تحت عنوان سیاست موازنه منفی دنبال شد و وی چه در سمت نمایندگی مجلس و چه در دوران نخست‌وزیری برنامه سیاست خارجی خود را بر اساس این تز قرار داده و اکنون این سیاست نیز توسط رهبر عالیقدر ما امام خمینی و امت ما به شدت هر چه

تمامتر دنبال می‌گردد.

مرحوم طالقانی در سخنرانی ۱۴ اسفند ۱۳۵۷ در احمدآباد چنین می‌گوید:

«در آن دوره‌ای که دو قدرت بزرگ روس و انگلیس هم در کشور ما راه نفوذ و راه پایگاه‌ها و استفاده را می‌جستند و در هیئت حاکمه عده‌ای طرفدار روس بودند و عده‌ای طرفدار انگلیس در این بین آن چهره‌ای که به چشم نمی‌آمد مردم ایران بود، دکتر مصدق با همکاری مرحوم مدرس این راه را باز کرد و این چهره را نشان داد که نه روس و نه انگلیس، بلکه ملت، این ملت است که باید سرنوشتش را به دست بگیرد و راهش را بیابد و پیش برود.»

۴- پیش‌بینی اوضاع سیاسی و اقتصادی رژیم رضاخان

مرحوم مدرس با تحلیل دقیق اوضاع خوب فهمیده بود که کودتای رضاخان برای ملت چه فاجعه‌ای به بار خواهد آورد به همین جهت در پیامی چنین می‌گوید:

«... اما رژیم آینده تصمیمی جز این ندارد که ایلات را تخت قاپو کند تا گوسفند و اسب ایرانی که برای تجارت تا قلب اروپا انتقال مییابد و سرچشمه عایدات هنگفت این کشور است رو به نابودی گذارد و روزی برسد که برای شیر و پنیر و پشم و پوست هم گردن ما به جانب خارجی کج باشد و دست حاجت بدان سو دراز کنیم... رژیم نوی که نقشه آن را برای ایران بینوا طرح کرده‌اند، نوعی از تجدد به ما می‌دهد که تمدن مغربی را با رسواترین قیافه نسلهای آینده خواهد نمود.»

این پیش‌بینی مدرس را بر آن واداشت که دست به اقدام برای روی کار آوردن حکومت ملی بزند... و به قول سید ضیاءالدین (این عامل سرسپرده استعمار) که اگر ما کودتا نکرده بودیم مدرس کودتا میکرد و همه ما را به دار می‌آویخت...

بطور خلاصه مبارزات مدرس به دنبال حرکت مرحوم سید جمال‌الدین اسدآبادی و قیام مردم در نهضت تنباکو، نهضت مشروطیت و همچنین قیام میرزاکوکچک‌خان جنگلی، قیام خیابانی، پسیان... با انگیزه مذهبی بود که مبارزه ضدظلم، ضداستعمار و ضداستبداد و استثمار را عین مبارزه با شرک و بازکردن راه جهت پرستش انحصاری الله می‌دانستند و مدرس این مجاهد بزرگ لحظه‌ای از اندیشه نژاد اسلامی و دفاع از آزادی و استقلال کشور تا به هنگام شهادت فارغ نگشت و به قول مرحوم مصدق: «مگر نه اینست مقام مدرس در این جامعه به واسطه مشقاتی که دید؟ مگر نه اینست که شربت شهادت چشید؟» اما مبارزه ملت ما با شهادت مدرس پایان نیافت و همچنان ادامه پیدا کرد. از آن تاریخ تا به حال جنبش ملی و اسلامی ما راهی پر پیچ و خم را پیموده است و بالاخره قیام و انقلاب عمومی بهمن سال گذشته که به رهبری امام خمینی به پیروزی عظیم و اعجاب‌انگیز رسید.

* * *

نهضت آزادی ایران با یادآوری خاطره مجاهدات مدرس که اکنون بیش از چهل سال از شهادت وی می‌گذرد یاد همه شهیدان و مجاهدان تاریخ خونین کشورمان را که با شهادت خویش پایه‌های استبداد، استثمار و استثمار را به لرزه درآوردند، گرامی می‌دارد.

نهضت آزادی ایران

۱۰/آذر/۱۳۵۸